

# نگاهی به روند بحران مالی بین‌المللی و تبعات احتمالی

## طرح نجات ایالات متحده آمریکا

### معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی

#### ۱- مقدمه

آمریکا یکی از قویترین اقتصادهای جهان به شمار می‌رود. بالاترین حجم تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان به کشور آمریکا اختصاص دارد. حجم تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۷ میلادی ۱۳،۸۴۴ میلیارد دلار بوده که بیش از یک پنجم حجم تولید ناخالص داخلی جهان (۲۱/۳۳ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۱</sup> طبق نظر برخی از کارشناسان<sup>۲</sup> کاهش رشد اقتصادی آمریکا طی سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸ میلادی به کمتر از ۰/۶ درصد، موجب کاهش چشمگیر اعتماد مصرف‌کنندگان خواهد شد و میزان هزینه‌های مصرفی در اقتصاد آمریکا برای نخستین بار از سال ۱۹۹۱ میلادی با کاهش روبرو خواهد شد.

تولیدات صنعتی آمریکا طی ماه اوت با بیشترین کاهش طی سه سال اخیر روبرو شد. پیش‌بینی می‌شود طی ماه سپتامبر بیش از ۱۰۵ هزار فرصت شغلی در آمریکا از دست رفته باشد. طی ماه اوت نیز بیش از ۸۴ هزار فرصت شغلی از دست رفته بود.

اگرچه دولت آمریکا با حمایت از دو موسسه مالی "فانی می" و "فردی مک"<sup>۳</sup> جلوی ورشکستگی آنها را گرفت، ولی ورشکستگی موسسه لمن برادرز<sup>۴</sup> یکی از بزرگترین بانکهای سرمایه‌گذاری

---

1 - International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, April 2008. Data for 2007.

۱۵- "ژوزف لاورنا" از دوچ بانک و "دیوید گرین لائو" از موسسه مورگان استنلی،

۱۶- شایان ذکر است که سال‌ها پیش در آمریکا با کمک دولت، دو موسسه مالی «فانی می» و «فردی مک» ایجاد شدند تا مردم را در صاحب‌خانه شدن یاری دهند. بر طبق اساسنامه این موسسات، میزان وام اعطایی، متناسب با درآمد افراد متفاوت است و نباید از ۲۸ درصد درآمد متقاضیان بیشتر باشد. به این معنی که وام‌گیرنده نباید بیشتر از ۲۸ درصد درآمد خود را بابت اقساط وام بپردازد. در صورتی که این موسسات با پشتیبانی نمایندگان دموکرات مجلسین آمریکا از این مقررات تخطی کرده و با بهانه کمک و دلسوزی برای مردم، وام‌های بزرگتری که تا ۴۰ درصد درآمد متقاضی را شامل می‌شد، پرداخت کردند. اتفاقاً در این مورد آقای گرین‌اسپن (رییس وقت فدرال رزرو یا بانک مرکزی آمریکا) ذی‌حق بود و به شدت مخالفت کرد، اما حمایت نمایندگان مجلس، این مخالفت را بی‌اثر نمود. در اثر ورود نامتناسب نقدینگی به بازار مسکن، قیمت‌ها به شکل سرسام‌آوری افزایش یافت و این افزایش قیمت‌ها، شوق مردم و موسسات مالی را در دریافت و پرداخت وام بیشتر می‌کرد، زیرا در ظاهر همه سود می‌کردند. تا اینکه بخشی از وام‌گیرندگان به تدریج نتوانستند از عهده پرداخت اقساط وام خود برآیند و خانه‌هایشان توسط این موسسات در حراج فروخته می‌شد. در اثر حراج‌های پی‌درپی، قیمت‌ها در بازار مسکن آمریکا شروع به کاهش نمود، به طوری که برخی از وام‌گیرندگان که توانایی پرداخت قسط‌های خود را هم داشتند، اما به دلیل غیر اقتصادی شدن مسکن، از پرداخت اقساط شان خودداری کرده و تن به حراج ملکشان می‌دادند. همین دلیل، باعث شد تا این موسسات زیان دیده و با بحران مالی مواجه شوند. این در واقع آغاز بحران مالی آمریکا بود. اولین شرکت‌هایی که در این بحران متضرر شدند، شرکت‌های بیمه بودند و پس از آن، بحران به دیگر بخش‌های اقتصاد سرایت کرد. هم‌اکنون بسیاری از سیاستمداران و اقتصاددانان آمریکا

آمریکا، ضربه مهلکی را بر بازارهای مالی این کشور وارد کرد. دولت آمریکا هفته گذشته موافقت خود را با کمک مالی ۸۵ میلیارد دلاری به شرکت بیمه ای آی جی<sup>۵</sup> بزرگترین شرکت بیمه جهان اعلام کرد.

رهبان جهان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک نیز از آثار منفی بحران مالی آمریکا بر اقتصاد جهانی به شدت ابراز نگرانی کردند. بحران مالی آمریکا موجب کاهش ارزش سهام در اکثر کشورهای جهان شده است.<sup>۶</sup>

علت اصلی رد این طرح در رای گیری اولیه این بود که جمهوری خواهان محافظه کار این طرح را سوسیالیستی می دانستند و نمایندگان لیبرال دموکرات نیز نگران این بودند که این طرح برای افراد و اقشار فقیر آمریکا چیزی در بر نداشته باشد.

این طرح در همان بدو امر موجب کاهش شدید ارزش سهام در وال استریت شد. ولی سوال اساسی این است که آیا تصویب و اجرای این طرح کمکی به اقتصاد آمریکا خواهد کرد؟

وزارت دارایی آمریکا پس از تصویب نهایی این طرح در دولت و سنا، بایستی به کمک موسسات مالی و صندوق های مسکن بحران زده آمریکا بشتابد. سرعت در اجرای این طرح، نقش مهمی در جلوگیری از گسترش بحران مالی آمریکا خواهد داشت.

### • طرح نجات جرج دبلیو بوش

بر اساس طرح نجات جرج دبلیو بوش، دولت آمریکا اجازه دارد تا مبلغ ۷۰۰ میلیارد دلار از مطالبات معوق بانکهای سرمایه گذاری آمریکا را خریداری کند. برخورداری این بانکها از ۱۴۹ میلیارد دلار تخفیف مالیاتی و تعلیق قوانین مربوط به دارائی ها که یکی از عوامل بروز بحران فعلی به حساب می آید، از دیگر مفاد طرح بوش است.

بوش در واکنش به تصویب طرح خود گفت: «این گام ها نشانگر اقدام مصمم برای مهار بحران اعتبارات است که در حال حاضر اقتصاد را تهدید می کند».

---

معتقدند که اگر مقررات مالی رعایت می شد، یا بحران به وجود نمی آمد و یا شدت آن تا این حد زیاد نبود. نکته جالب این واقعه آن است که در اینجا هم بحران و خسارت های مترتب بر آن ناشی از دخالت دولت و حکومت در اقتصاد بوده است. منبع: دنیای اقتصاد

<sup>17</sup> - Lehman Brothers

<sup>5</sup> 18-AIG

<sup>6</sup> - تبعات بحران مالی آمریکا، گروه اقتصادی ایران اکونومیست ۷ مهر ۱۳۸۷

در حال حاضر بانکها و موسسات مالی آمریکا از دادن وام به یکدیگر خودداری می کنند. اکثر بانکها و موسسات مالی در صورت دادن وام به یکدیگر خواستار بازگشت سریع پول خود ظرف مدت یک روز هستند. تجربه نشان می دهد تزریق نقدینگی زیاد به سیستم بانکی و مالی، کارایی زیادی نخواهد داشت.

بازار اوراق تجاری آمریکا از تابستان گذشته تا کنون حدود ۶۰۰ میلیارد دلار کاهش در حجم معاملات را تجربه کرده که تنها ۱۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به هفته منتهی به تصویب طرح نجات بوده است. این مساله به ضرر شرکتهای بزرگ و کوچک است. برخی از بانکهای آمریکایی با این گونه اقدامات خود موجب تشدید بحران مالی اخیر می شوند و شرکتهای بزرگ و کوچک را برای پرداخت دستمزد کارمندان یا خرید مواد اولیه در تنگنا قرار می دهند.

موج بحران مالی آمریکا به شهرداری ها و دولتهای فدرال آمریکا نیز رسیده است. شهردار کالیفرنیا نسبت به عدم توانایی این ایالت در تامین هزینه های روزمره خود به وزارت دارایی آمریکا هشدار داده و خواستار دریافت وام ۷ میلیارد دلاری از دولت فدرال شده است.<sup>۷</sup>

در عین حال کارشناسان اقتصادی نسبت به این طرح چندان امیدوار نیستند و معتقدند این طرح نمی تواند مشکلات موجود را به طور کامل حل کند. به عقیده این افراد برای از میان برداشتن بحران موجود باید بیش از ۱/۵ تریلیون دلار به بازارهای مالی آمریکا تزریق شود.

طرح نجات دولت بوش قبل از ارائه به مجلس سنا با تغییراتی مواجه شد که مهم ترین آنها افزایش ۱۰۰ میلیارد دلاری مبلغ پیشنهادی بود. در طرح جدید، سقف بیمه حساب های سپرده گذاران خصوصی در بانکها از ۱۰۰ هزار به ۲۵۰ هزار دلار افزایش یافت.

در تغییری دیگر برای وام گیرندگانی که توان بازپرداخت اقساط وام خرید مسکن خود را ندارند، کمک های مستقیمی در نظر گرفته شد. همچنین برای خانواده ها و شرکت هایی که از درآمد متوسط و پایین برخوردارند، تخفیف های مالیاتی خاصی مدنظر قرار گرفته است. با وجود اعمال این تغییرات، اکثر شهروندان آمریکایی همچنان مخالف طرح دولت مبنی بر استفاده از مالیات های مردم برای نجات بانکها هستند.<sup>۸</sup>

<sup>۷</sup> حرکت سونامی آمریکایی به سمت بازار مالی اروپا گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین الملل ۱۴ مهر ۱۳۸۷

<sup>۸</sup> طرح نجات هم اقتصاد آمریکا را نجات نخواهد داد، گروه اقتصادی ایران اکونومیست، ۹ مهر ۱۳۸۷

طرح بوش به صورت مرحله به مرحله و در طی دو سال به اجرا در خواهد آمد. در مرحله اول فقط ۲۵۰ میلیارد دلار در اختیار بانک های ورشکسته قرار می گیرد که مسلماً این رقم در مقایسه با رقم مورد نیاز برای غلبه بر بحران بازارهای مالی بین‌المللی بسیار اندک است.

#### ۱- بررسی ریشه های بروز بحران مالی در امریکا

بیشتر موسسات مالی که اخیراً در آمریکا دچار مشکل شده‌اند موسسات مالی سرمایه‌گذاری و بیمه بوده‌اند و طبیعی است اگر بازارهای مالی آسیب جدی ببینند کل اقتصاد آسیب جدی خواهد دید. آخرین بار که بحرانی با این وسعت و عمق در بازارهای مالی رخ داد سال ۱۹۲۹ میلادی بود که پیامد آن، رکود عظیمی بود که نزدیک به ۱۰ سال ادامه یافت و تولید ناخالص آمریکا و دنیا را به شدت کاهش داد.

اکثریت قریب به اتفاق آمریکائیان برای خرید مسکن، وام می‌گیرند. ارزش وام مسکن هم گاهی تا ۹۵ درصد ارزش آن است، البته هر مقدار سهم وام بانک از قیمت خانه بیشتر باشد، نرخ بهره آن نیز بیشتر محاسبه می‌شود. وقتی که فرد وام‌گیرنده به هر دلیل قادر به پرداخت اقساط خرید ملک نیست، بانک وام دهنده ملک وی را به جای طلب وامش، تصاحب می‌کند. قاعدتاً زمانی که نرخ بهره افزایش یابد احتمال بازپرداخت اقساط وام به علت بار مالی بیشتر آن برای وام‌گیرنده، کاهش می‌یابد و احتمال مصادره خانه به وسیله بانک افزایش می‌یابد. بعد از حمله به برج‌های تجارت جهانی و شوک اقتصادی ناشی از آن، بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) با هدف مقابله با این شوک اقتصادی و رونق بخشیدن به اقتصاد کشور، نرخ بهره بین بانکی را کاهش داد به طوری که نرخ بهره از حدود ۶ درصد در مدت کوتاهی به یک درصد کاهش یافت. با کاهش نرخ بهره بانکی، تقاضا برای وام (مخصوصاً برای خرید مسکن) افزایش پیدا کرد. در نتیجه، تقاضا برای خرید مسکن در این کشور افزایش یافت. از سوی دیگر افزایش تقاضا و عدم واکنش سریع عرضه باعث افزایش قیمت مسکن در آمریکا شد.

طبیعی است زمانی که قیمت خانه در حال افزایش است بانک وام‌دهنده نگران بازپرداخت اقساط وام توسط خریدار خانه نیست، زیرا بانک مطمئن است در صورت عدم بازپرداخت اقساط وام، می‌تواند ملک خریداری شده را مصادره کند و بفروشد و زیانی هم نصیبش نشود. وام‌گیرنده (همان خریدار ملک) هم خیالش راحت است که به علت افزایش چشمگیر قیمت مسکن، هر زمان که بخواهد می‌تواند با فروش آن علاوه بر بازپرداخت کل وام بانک، مبلغی هم سود کند. به همین دلیل و از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ میلادی بانک‌های آمریکایی با شرایط بسیار آسانی اقدام به اعطای وام خرید مسکن به شهروندان به ویژه آن دسته از افراد کم‌اعتباری که در شرایط عادی قادر به دریافت وام نبودند، کردند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی نیز با توجه به افزایش قیمت مسکن در آمریکا در سال‌های اخیر، برای خرید مسکن به بازار این کشور هجوم آوردند و به آتش افزایش قیمت مسکن، دمیدند.

بدین ترتیب بحران کم‌کم شروع شد. افزایش قیمت مسکن به تدریج و با کمی تأخیر عرضه مسکن را در آمریکا افزایش داد. ساخت و ساز مسکن به تدریج به حدی افزایش یافت که از سال ۲۰۰۶ میلادی به تدریج تقاضا برای مسکن بیشتر شد. در نتیجه انبوهی از خانه‌های ساخته شده، بدون تقاضا ماندند و روی دست صاحبانشان باد کردند و آن موقع بود که جرعه اولیه بحران مالی آمریکا زده شد. بعد از این واقعه، به محض آنکه اکثریت فعالان بازار متوجه این حقیقت شدند که

قیمت خانه رو به کاهش خواهد گذارد، حباب قیمت مسکن در آمریکا ترکیب و این روند هنوز هم در آمریکا در جریان است. با کاهش قیمت مسکن از اواسط سال ۲۰۰۶ میلادی، خریداران (وام گیرندگان از بانکها) که با دریافت رقم بالای وام بانکی اقدام به خرید خانه کرده بودند، زمانی که متوجه شدند قیمت کنونی خانه‌شان از کل وامی که دریافت کرده‌اند، کمتر شده، ترجیح دادند که خانه را رها کنند و اجازه دهند که بانک وام دهنده خانه را به جای وامش مصادره کند. در این حال، خریداران خانه ضرر کردند اما ضرر بیشتر نصیب بانکها شد که قیمت املاکی را که به جای بازپرداخت وام، از مشتری تملک کرده بودند از رقم وام پرداخت شده شان کمتر بود.

بانکهای سرمایه‌گذاری همچون لمن برادرز مهمترین قربانیان این وضعیت بودند که طی ماههای اخیر مجبور شدند به جای دریافت اقساط وامهای پرداختی، خود املاک را تملک کنند و در نتیجه صدها میلیارد دلار زیان دیدند. لمن برادرز حتی مجبور شد برای جبران این زیان، ۶۰۰ میلیارد دلار از مؤسسات دیگر قرض کند، اما در نهایت نتوانست دوام بیاورد و ورشکسته شد. زمانی که زیان بانک لمن برادرز علنی شد و این بانک مجبور به استقراض عظیم از دیگر بانکها گردید، سهامداران بانک با سرعت هرچه تمام‌تر سعی کردند برای جلوگیری از زیان خود اقدام به فروش سهامشان کنند. از سوی دیگر، سپرده‌گذاران در بانک هم از ترس این که مبادا بانک ورشکسته شود، به شعب آن هجوم آوردند تا پول خود را برداشت کنند و نتیجه آن شد که لمن برادرز، چهارمین بانک بزرگ آمریکا ورشکست شد.

از آنجا که اکثر سپرده‌گذاران عمده بانک لمن برادرز بانکها و مؤسسات مالی معتبر دیگری (حتی خارج از خاک آمریکا) بودند، با ورشکستگی این بانک، دیگر بانکهای مرتبط هم دچار کسری مالی عظیم شدند. به این ترتیب مشکل یک بانک به بانکی دیگر و از بانکها به سرعت به کل بازار سرمایه آمریکا و اروپا منتقل شد و بازار مالی را به صورت ناگهانی تحت تأثیر قرار داد. در هفته‌های اخیر موارد مشابه لمن برادرز، چندین بار تکرار شده است و بانکها و مؤسسات مالی بزرگ آمریکا در اثر همین بحران وام مسکن دچار زیانهای مالی گزاف شدند. سهامداران این بانکها هم عمدتاً بانکهای اروپایی و آسیایی بودند و این بحران دامن آنها را هم گرفت. با زیان شدید این بانکها، سهام آنها در بورسهای کشورهایشان شدیداً سقوط کرد و سایر بنگاههای بزرگ اقتصادی که از وام این بانکها بهره‌مند بودند به نوبه خود دچار بحران شدند. بدین ترتیب، زبانه بحران مالی آمریکا روز به روز وسعت بیشتری یافت و هم‌اکنون در سراسر جهان، بورسها و بازارهای مالی شدیداً سقوط کرده‌اند و اقتصاد جهانی در آستانه رکود وحشتناک قرار گرفته است.



## ۲- گسترش بحران به اروپا و جهان

در حالی که دولت آمریکا می‌کوشد دامنه بحران به وجود آمده را کاهش دهد، خبرها حاکی از گسترش آن در سراسر اروپاست. هم‌اکنون بسیاری از بانک‌های معتبر و معروف اروپا با بحران کمبود شدید نقدینگی به دلیل خروج گسترده سرمایه‌ها و سپرده‌ها مواجه هستند.

به عنوان نمونه، دولت بلژیک تصمیم گرفت مؤسسه مالی فورتیس<sup>۹</sup> را ملی اعلام کند. سهام بانک فرانسوی دکسیا<sup>۱۰</sup> نیز بیش از ۲۰ درصد کاهش یافت و احتمال می‌رود دولت فرانسه برای کمک به این بانک، سرمایه بیشتری را در اختیار آن قرار دهد. فورتیس نخستین بانک بزرگ منطقه یورو است که پس از بحران مالی آمریکا با مشکلات مالی روبرو می‌شود.<sup>۱۱</sup>

بحران مالی انگلیس نیز از سال گذشته آغاز شده است. سرمایه‌گذاران انگلیسی به دلیل نگرانی از ورشکستگی بانک‌های این کشور، تاکنون میلیاردها پوند از سپرده‌های خود را به بانک‌های ایرلند منتقل کرده‌اند. هم‌اکنون سقف بیمه سپرده‌های بانکی در انگلستان ۳۵ هزار پوند است و دولت وعده داده این رقم را به ۵۰ هزار پوند افزایش دهد. در حالی که در ایرلند، بانک‌ها اعلام کرده‌اند بازپرداخت سپرده‌های بانکی را به هر میزان (تا سقف نامحدود) به مدت دو سال تضمین می‌کنند.<sup>۱۲</sup>

همچنین، در پی گسترش مشکلات اقتصادی در انگلیس، دولت این کشور برای ملی کردن یکی از بانک‌های بزرگ ارائه دهنده وام در این کشور که با بحران مالی شدید روبرو شده، اقدام نموده است.<sup>۱۳</sup> بر این اساس دولت تصمیم دارد برای جلوگیری از ورشکستگی بانک بردفورد بینگلی<sup>۱۴</sup>، این بانک را با ۵۰ میلیارد دلار مطالبات معوقه ملی نماید. به این ترتیب، برای دومین بار در ماه‌های اخیر، دولت انگلستان برای مهار مشکلات مالی سیستم بانکداری بریتانیا، یک بانک خصوصی را ملی می‌کند. دولت بریتانیا این بانک ۴۰ میلیارد دلاری را ملی اعلام کرده و آن را با بانک نوردن راک<sup>۱۵</sup> که قبلاً ملی اعلام شده بود، ادغام می‌نماید. نوردن راک، یکی از بزرگترین بانک‌های اعتبار و وام بریتانیا بود که فوریه ۲۰۰۸ میلادی به دلیل بروز بحران بدهی‌ها ورشکسته شد و به تملک دولت بریتانیا درآمد<sup>۱۶</sup>. وزارت خزانه‌داری انگلیس در تشریح تصمیم دولت برای ملی کردن بانک بردفورد

<sup>9</sup> European bank Fortis

<sup>10</sup> Dexia

<sup>11</sup> موج بحران مالی آمریکا به اروپا رسیده است، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، گروه اقتصاد بین‌الملل، ۸ مهر ۱۳۸۷

<sup>12</sup> پس لرزه جهانی بحران مالی آمریکا، روزنامه سرمایه، ۱۳ مهر ۱۳۸۷

<sup>13</sup> گسترش بحران مالی آمریکا به انگلیس، ایران اکونومیست: گروه اقتصادی، ۱۳ مهر ۱۳۸۷

<sup>14</sup> Bingley & - Bradford

<sup>15</sup> Northern Rock Plc

<sup>16</sup> بحران مالی آمریکا به انگلیس گسترش یافت، دنیای اقتصاد ۹ مهر ماه ۱۳۸۷

بینگلی اعلام نمود که باید از سپرده‌گذاران و صاحبان پس‌اندازها به طور مناسب حفاظت شود و دولت همچنین قصد دارد ثبات مالی نظام بانکی را حفظ کند.<sup>۱۷</sup>

سران چهار کشور مهم اروپایی به منظور یافتن راهکاری واحد برای مقابله با تأثیرات بحران مالی امریکا بر اروپا روز شنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۷ در پاریس گرد هم آمده و نشست اضطراری تشکیل دادند.<sup>۱۸</sup>

رئیس‌جمهور فرانسه پذیرای سران سه کشور مهم اروپا برای گفت‌وگو در مورد بحران مالی بود؛ بحرانی که به سرعت در حال گسترش است و نظام بانکی آمریکا، اروپا و جهان را تهدید می‌کند. در این نشست که رئیس بانک مرکزی اروپا<sup>۳۴</sup> نیز حضور داشت، مقدمات برگزاری نشست سران گروه هشت نیز فراهم شد. براساس گزارشها، سران اتحادیه اروپا روز ۱۵ اکتبر در بروکسل گرد هم می‌آیند تا به بحث و گفت‌وگو در مورد اصلاح قوانین بانکی جهت مقابله با بحران مالی بپردازند. بانکهای اروپایی برای حمایت از سیستم‌های مالی خود تاکنون میلیاردها دلار به بازار تزریق کرده‌اند. طی روزهای اخیر بانک مرکزی اروپا ۵۰ میلیارد دلار و بانک مرکزی انگلستان نیز ۱۰ میلیارد دلار وارد بازار کردند. بانک انگلستان همچنین اعلام کرد ۳۰ میلیارد دلار دیگر به بازار تزریق خواهد کرد.

رئیس‌جمهور فرانسه که کشورش، ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، طرحی به ارزش ۴۲۵ میلیارد دلار برای مقابله با بحران مالی ارائه کرده که با واکنش‌های مختلفی مواجه شده است.

در حالی که کشورهای کوچکتر اتحادیه اروپا از طرح فرانسه حمایت کرده‌اند، آلمان به مخالفت با آن برخاسته است.

در همین حال صندوق بین‌المللی پول نیز به اتحادیه اروپا هشدار داد به فکر برنامه ریزی برای مقابله با بحران مالی باشد و با یک برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ جلوی تبعات منفی آن را بگیرد. این صندوق همچنین نسبت به احتمال کاهش شدید رشد اقتصادی آمریکا هشدار داد و آن را پایدار و طولانی مدت دانست.<sup>۱۹</sup>

<sup>17</sup> گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین الملل، ۱۳ مهر ۱۳۸۷

<sup>18</sup> گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین الملل، ۱۳ مهر ۱۳۸۷

<sup>19</sup> - ژان کلود تریشه

هرچند تاکنون رهبران کشورهای اروپایی در اظهارات خود برای آرام کردن بازارهای مالی از یکسو و اطمینان بخشی افکار عمومی خود می‌کوشیدند که تأثیر بحران مالی و بانکی آمریکا بر نظام مالی کشورهای خود را اندک جلوه دهند، اما برگزاری این نشست در کنار حوادث اخیر، از جمله افول شاخص‌های بازارهای مالی و بورس و اذعان به رکود اقتصادی نشان از وخامت اوضاع و احساس خطری دارد که می‌تواند اروپا را به طور جدی تهدید کند.

در همین ارتباط نخست وزیر فرانسه<sup>۲۰</sup> در جمع نشست نمایندگان حزب حاکم اکثریت (روز جمعه ۱۲ مهر ۸۷) گفت: جهان به دلیل اشتباه نظامی غیرمسئولانه در ورطه پرتگاه قرار گرفته است. وی با اشاره به ورشکستگی بانک- لمن برادرز- چهارمین بانک تجاری آمریکا گفت که این حادثه سبب از بین رفتن اعتماد به سیستم بانکی شد. اما در نشست پاریس باید یک پیام داده شود، این که ما از بانک‌های خود حمایت خواهیم کرد<sup>۲۱</sup>.

در حال حاضر برخی بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و بیمه‌های مهم اروپایی مانند دکسیا، فورتیس، هیپورتل استیت<sup>۲۲</sup>، برادفورد و بینگلی در ورطه ورشکستگی قرار دارند که دولت‌های اروپایی در این مورد به طور پراکنده اقداماتی را برای نجات آنها انجام داده‌اند.

این اقدامات پراکنده نارضایتی برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه را به همراه داشته است. فرانسه خواستار اتخاذ موضعی مشترک برای مقابله با این بحران می‌باشد. این کشور بر ضرورت هماهنگی در قوانین و رویه‌های مالی به ویژه در زمینه پوشش و تضمین‌های دولتی از بانک‌ها تأکید می‌ورزد.

سران چهار کشور مهم اتحادیه اروپا پس از مذاکرات پاریس برای بررسی راه‌های مقابله با بحران مالی در درون این اتحادیه اعلام کردند هر کشور بر اساس روش خود در این زمینه عمل می‌کند. تسهیل قوانین مربوط به حسابداری، برقراری مقررات مالی سخت‌تر و کاستن از برد و قدرت قوانین رقابت و بودجه‌ای مهمترین راهکارهایی بود که سران اروپایی برای مقابله با بحران موجود بر سر آن توافق کردند. آنها همچنین از کمیسیون اروپا خواستند قوانینی را در زمینه بیمه سپرده‌های بانکی تهیه کند<sup>۲۳</sup>.

20 پس لرزه جهانی بحران مالی آمریکا، روزنامه سرمایه، ۱۳ مهر ۱۳۸۷

21 - فرانسوا فیون

22 همان

23 گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین الملل، ۱۴ مهر ۱۳۸۷

نخست وزیر چین<sup>۲۴</sup> نیز ضمن ابراز نگرانی از بحران مالی آمریکا تصریح نمود؛ بحران مالی آمریکا تأثیر منفی بر اقتصاد چین خواهد داشت. طبق اظهارات او، مبادلات تجاری چین و آمریکا ۱۰ سال پیش حدود ۱۰۲/۶ میلیارد دلار بود که هم اکنون با ۱/۵ برابر رشد به بیش از ۳۰۲ میلیارد دلار رسیده است. کاهش تقاضای آمریکا موجب افت صادرات کالاهای چینی به این کشور خواهد شد. بازارهای مالی چین نیز ارتباط زیادی با بازارهای مالی آمریکا دارد. بحران مالی آمریکا، امنیت سرمایه‌گذاری در چین را به خطر خواهد انداخت. رکود اقتصادی آمریکا، سایر اقتصادهای بزرگ جهان، از جمله اقتصاد چین را متأثر خواهد کرد<sup>۲۵</sup>.

یکی از کارشناسان بانکی چین<sup>۲۶</sup> عنوان کرده که با توجه به این که بحران مالی آمریکا ممکن است مصرف کالا را در سطح جهان کاهش دهد، پیش بینی می‌شود رشد اقتصادی چین به ۹ تا ۹/۵ درصد کاهش یابد. رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۰۷ میلادی بالغ بر ۱۱/۹ درصد گزارش شده بود. مدیر کمیسیون سرپرستی و مدیریت دارایی‌های دولتی چین نیز در این باره گفت: «مهمترین چیز در شرایط فعلی برای شرکت‌های چینی این است که حیات خود را حفظ کنند. مهمترین مشکل برای شرکت‌های دولتی در حال حاضر کاهش تقاضا برای محصولاتشان در بازار است». بانک ملی چین اعلام کرد در حال حاضر مشغول همکاری با آمریکا برای اتخاذ برخی اقدامات است<sup>۲۷</sup>.

بحران در بازارهای مالی غرب کم‌کم به سمت بازارهای مالی خاورمیانه در حال حرکت است و بسیاری از بانکهای عربی آثار منفی این بحران را به خوبی احساس کرده‌اند. بانکها و موسسات مالی کشورهای عربی به خصوص بانکهای کویتی به شدت نگران این هستند که قربانی بعدی سونامی مالی غرب باشند. در حالی که نظام بانکی امارات متحده عربی با کمبود ۶۶۰ میلیارد درهم نقدینگی برای اجرای پروژه‌های مسکن روبرو شده است، کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند، بحران نظام بانکی این کشور می‌تواند روند رشد اقتصادی در امارات متحده عربی را با چالش جدی روبرو کند. بانک مرکزی امارات متحده عربی برای کمک به نظام بانکی این کشور ۱۳/۶ میلیارد دلار پول به آن تزریق کرده است<sup>۲۸</sup>.

<sup>24</sup> ون ژیاپائو

<sup>25</sup> مهمترین علت بحران مالی آمریکا ایران اکونومیست: گروه اقتصادی، ۱۱ مهر ۱۳۸۷

<sup>26</sup> لی مینکانگ

<sup>27</sup> همان

<sup>28</sup> خبرگزاری گلف نیوز، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸

موجب افزایش نرخ بهره وام بین بانکهای این کشور شده است. بانک مرکزی کویت نیز قصد دارد وامهایی با نرخ بهره پایین در اختیار مؤسسات و بانکهای این کشور قرار دهد. بر اساس این گزارش، نرخ بهره اعطای وام بین بانکهای کویتی از ۲ درصد به بیش از ۵ درصد افزایش یافته است. بانک ملی کویت نیز اعلام کرد، تزریق سرمایه و نقدینگی به بانکها و مؤسسات مالی عربی نشانگر این واقعیت است که کشورهای عربی نیز به خوبی آثار منفی بحران مالی بین‌المللی را احساس کرده‌اند. بانک مرکزی کویت به سرمایه‌گذاران این کشور اطمینان داده است که منابع مالی کافی را برای تزریق به سیستم بانکی در اختیار دارد.

این در حالی است که موج خروج سرمایه از بورس‌های عربی تشدید شده است و بورس‌های منطقه با کاهش چشمگیر شاخصها طی روزهای اخیر روبرو شده‌اند. طی سه ماه گذشته بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار سرمایه از بانکهای اماراتی به خارج از این کشور انتقال یافته است.

شاخص بورس دویبی در روز ۲۳ مهر ۸۷ با کاهش ۶ درصدی و شاخص بورس ابوظبی با افت ۴/۵ درصدی مواجه شد. شاخص بورس کویت دومین بورس بزرگ عربی نیز در همین روز با کاهش ۳ درصدی روبرو شده است. شاخص بورس مسقط نیز بیش از ۳ درصد کاهش داشت. ارزش سهام شرکت مسکن عمار تنها چند لحظه پس از بازگشایی بورس دویبی با بیشترین کاهش روبرو شد و بیش از ۹/۳ درصد کاهش یافت. شاخص مسکن در بورس دویبی نیز با افت ۹/۲ درصدی روبرو شده است. در بورس ابوظبی نیز شاخص مسکن بیش از ۷/۸ درصد کاهش داشته است. شاخص بورس عربستان نیز که روز گذشته فعالیت خود را آغاز کرده است، بیش از شش درصد کاهش یافت و به کمترین حد طی ۴ سال اخیر رسید.<sup>۲۹</sup>

میزان کل دارایی بانکهای اماراتی تا پایان سال ۲۰۰۷ میلادی به بیش از یک تریلیون درهم رسیده بود و این رقم تا پایان ژوئن ۲۰۰۸ به ۱/۴ تریلیون درهم افزایش یافت. اما در حال حاضر به علت خروج ۵۰۰ میلیارد درهم معادل ۱۳۶ میلیارد دلار سرمایه خارجی از امارات متحده عربی، این رقم به شدت کاهش داشته است.<sup>۳۰</sup> در حال حاضر نظام بانکی امارات متحده عربی به شدت خطر بحران مالی را احساس می‌کند و با کمبود ۵۰۰ میلیارد درهمی منابع مالی روبرو است.

بیش از ۴۰ درصد پس‌اندازهای موجود در بانکهای امارات متعلق به سرمایه‌گذاران خارجی است و بدون دخالت دولت امارات متحده عربی، نظام بانکی این کشور با بحران شدیدی روبرو خواهد شد. خروج سرمایه‌های خارجی از نظام بانکی امارات، اقتصاد این کشور را فلج خواهد کرد. به نظر می‌رسد دخالت دولت‌های عربی در بازارهای مالی، در حال حاضر بهترین گزینه برای جلوگیری از سرایت بیشتر بحران مالی در این کشورها است.

اقتصاد ایران در حال حاضر به طور مستقیم از پیامدهای بحران مالی آسیب جدی ندیده است و معاملات در بورس تحت تاثیر بازار مالی جهانی قرار نگرفته و برخلاف آنچه که در بازارهای بورس جهانی رخ می‌دهد سرمایه‌گذاران، اوضاع بازارها را با آرامش نسبی دنبال می‌کنند. ظاهراً، تحریم‌های اقتصادی آمریکا که بانکهای ایران را هدف قرار داده بود، قبلاً تا حد زیادی وابستگی ایران به بازارهای مالی را محدود ساخته بود و از این جهت با بروز بحران مالی اقتصاد داخلی ایران کمتر در معرض خسارت‌های ناشی از بحران مالی جهانی قرار گرفت. به علاوه ارتباط نداشتن بورس ایران با دنیای خارجی باعث پایداری و ایستادگی آن در مقابل طوفان مالی شده است.

تاکنون سخنی از موارد ورشکستگی بانک‌های ایرانی بیان نشده و اگر مشکلاتی هم بروز کرده، این امر بیشتر به ضعف‌های سیاست‌گذاری داخلی یا تحریم‌های آمریکا و برخی کشورهای دیگر، علیه بانکهای ایرانی نسبت داده می‌شود. اما تداوم این امر طولانی به نظر نمی‌رسد و کاهش قیمت نفت کم‌کم خطر را برای اقتصاد ایران که از تورم رنج می‌برد، به صدا در آورده است. تشدید وابستگی بودجه ایران به درآمدهای نفتی طی سالهای برنامه چهارم توسعه باعث خواهد شد با کاهش قیمت نفت، اقتصاد ایران در معرض طوفان مالی قرار گیرد.

### ۳- سیر نزولی بازارهای نفت

در پی افزایش نگرانی‌ها نسبت به گسترش بحران مالی آمریکا و تاثیر منفی آن بر رشد اقتصادی و کاهش تقاضای انرژی کشورهای صنعتی، بهای نفت خام به شدت کاهش یافته است. گزارش دبیرخانه اوپک نیز از کاهش بهای سبد نفتی این سازمان برای چندمین روز پیاپی خبر می‌دهد.<sup>۳۱</sup>

#### ۴- تأثیرات اقتصادی طرح نجات بوش

جمعی از اساتید اقتصاد دانشگاه‌های آمریکا طی نامه‌ای، سه اشکال را برای طرح بوش برشمرده‌اند<sup>۳۲</sup>. به نظر آنها، طرح ۷۰۰ میلیارد دلاری دولت بوش برای نجات بازارهای مالی، سه اشکال عمده و فاجعه آمیز در بر دارد:

۱- این طرح به هیچ‌وجه با اصول عدالت و برابری هماهنگی ندارد. این طرح به معنای اعطای یارانه به سرمایه‌گذاران از جیب مالیات دهندگان آمریکایی است. سرمایه‌گذارانی که برای کسب سود در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری کردند، باید زیان و ضرر بحران مالی را بپردازند، نه مالیات دهندگان آمریکایی.

۲- این طرح ابهامات زیادی دارد. در این طرح به درستی نحوه خرید سهام مؤسسات مالی بحران‌زده توسط دولت آمریکا مشخص نشده است. وزارت دارایی باید به روشنی و کاملاً شفاف، روش اجرای طرح ۷۰۰ میلیارد دلاری را برای افکار عمومی و جامعه علمی آمریکا اعلام کند.

۳- اینکه، اجرای این طرح آثار منفی زیادی در بلند مدت بر اقتصاد آمریکا خواهد داشت. نسل بعدی آمریکا آثار منفی این طرح را احساس خواهند کرد. اساتید آمریکایی در پایان این نامه تأکید کرده‌اند؛ در واقع دولت بوش قصد دارد برای آرام کردن بازارهای مالی در کوتاه مدت، فشارهای زیادی را در بلند مدت بر اقتصاد آمریکا وارد کند. در بین امضا کنندگان نامه چند نفر برنده نوبل اقتصاد بوده‌اند.

کارشناسان معتقدند تزریق ۷۰۰ میلیارد دلار به بازارهای مالی آمریکا موجب می‌شود، بدهی ملی این کشور به بالاترین سطح از سال ۱۹۵۴ میلادی برسد که آخرین باری بوده است که آمریکایی‌ها بدین میزان بدهکار بوده‌اند و این زمانی بود که این کشور هنوز هزینه‌های ناشی از جنگ جهانی دوم را می‌پرداخت و تبعات آن نیز می‌تواند از بین رفتن اشتیاق خارجی‌ها برای اوراق قرضه ایالات متحده باشد.

واقعیت آن است که حجم بی‌سابقه استقراض خزانه داری، نااطمینانی‌های جدیدی را به بازار اوراق قرضه تحمیل می‌کند.

<sup>32</sup> خبرگزاری آمریکن فری پرس، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸

در واقع اجرای این طرح می‌تواند سطح بدهی ایالات متحده را به بالاتر از ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش داده و کسر بودجه سالانه را به بالاترین میزان در طول تاریخ برساند. اقتصاددانان برآورد نموده‌اند که در سال آتی این کسری احتمالاً از یک تریلیون دلار تجاوز خواهد نمود.

در واقع، ریسک این برنامه برای بزرگترین اقتصاد جهان، افزایش آتی نرخ بهره به دلیل نیاز مضاعف خزانه‌داری برای تأمین مالی برنامه و کاهش تمایل سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای افزودن به دارایی‌های مالی خود خواهد بود. در سال جاری میلادی، بدهی ناخالص ایالات متحده که شامل بدهی مؤسسات بخش عمومی و مؤسسات دولتی می‌باشد به ۹/۶ تریلیون دلار بالغ گردیده که تقریباً ۶۸ درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد.<sup>۳۳</sup>

با توجه به اینکه در حال حاضر ایالات متحده درگیر جنگی نظیر جنگ جهانی دوم نبوده است، این سطح از بدهی هشدار دهنده می‌باشد. دولت در حال نزدیک شدن به حد بدهی بیش از ۳۷۰۰۰ دلار برای هر فرد در ایالات متحده اعم از مرد، زن و یا کودک است. رقم درآمد میانه ایالات متحده سال گذشته ۵۰۲۳۳ دلار بود. دولت امریکا در حال ایجاد بدهی‌های زیادی است که مردم این کشور باید مقادیر زیادی از پول را به مدت زمانی طولانی برای بازپرداخت آن صرف کنند. اگر خزانه داری همانگونه که اقتصاددانان انتظار دارند تمامی مبلغ را سال آتی هزینه نماید، کسری بودجه سال بعد که اکنون بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شده به یک تریلیون دلار و یا بیشتر افزایش خواهد یافت. این رقم باعث افزایشی کسری سالانه به میزان ۷ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد شد که بی سابقه می‌باشد. افزایش کسری سالانه در زمان رئیس جمهور رونالد ریگان در سال ۱۹۸۳ میلادی به ۶ درصد تولید ناخالص داخلی رسید و این زمانی بود که هزینه‌های دفاعی جنگ سرد، افزایش و نرخ مالیاتها کاهش یافته بود. بنابر نظر برخی اقتصاددانان<sup>۳۴</sup> ترکیبی از برنامه وزیر خزانه داری ایالات متحده، مخارج دولتی مضاعف و رکود اقتصادی، می‌تواند سبب افزایش کسری بودجه ایالات متحده به ۱/۵ تریلیون دلار (۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی) شود. منابع پولی برنامه وزیر خزانه داری ایالات متحده صرف خرید دارایی‌هایی خواهد شد که به گفته بسیاری از تحلیلگران بازار، قیمتشان کاهش یافته است.

فدرال رزرو آمریکا طی ماههای آینده با مشکلات زیادی برای عمل به تعهدات مالی خود روبرو خواهد شد. این در حالی است که شاخص سهام وال استریت به سرعت در حال کاهش است. شرکت ای آی جی بزرگترین شرکت بیمه جهان که دولت امریکا برای رهایی از بحران مالی، با

33 بدهی ملی آمریکا به بالاترین سطح در ۵۴ سال اخیر، ۸ مهر ۱۳۸۷

34 مایکل فرولی از شرکت جی پی مرگان چیس در نیویورک

کمک مالی بیش از ۸۵ میلیارد دلاری خود مانع از ورشکستگی آن شد، قصد دارد ۳۷/۸ میلیارد دلار دیگر نیز از فدرال رزرو کمک مالی دریافت کند.

طبق نظر وزیر دارایی استرالیا طرح ۷۰۰ میلیارد دلاری دولت بوش برای نجات بازارهای مالی، به هیچ وجه اعتماد را به نظام مالی جهان بازمی‌گرداند.<sup>۳۵</sup>

یکی از مقامات مؤسسه اقتصاد بین‌المللی آمریکا در این باره گفت: «تصویب طرح بوش بازار را تا حدودی آرام می‌کند. این طرح کامل نیست، اما اجرای آن بهتر از عدم اجرایش است.»

## ۵- جمع بندی و نتیجه گیری

بروز بحران مالی که از سال ۲۰۰۷ میلادی نظام مالی آمریکا را درگیر نموده در سپتامبر و اکتبر سال ۲۰۰۸ همچنان ادامه یافته و دولت ایالات متحده و دیگر دولتهای مطرح دنیا را به اتخاذ تدابیر سیاستی و اقتصادی جهت جلوگیری از سرایت بیشتر بحران مالی آمریکا به مؤسسات و بازارهای مالی خود وا داشته است. چنانکه تبعات بحران در ابتدا دولت آمریکا و پس از آن دولت های انگلیس، ایسلند، ایرلند، بلژیک و اسپانیا را واداشت تا با زیر پا گذاشتن اصول اقتصاد بازار به طور مستقیم در اقتصاد مداخله کنند. با این حال سیاستهای اتخاذ شده ناکافی ارزیابی می شوند و بعید است که اقتصاد جهانی را با روند متفاوتی در ماههای آینده روبرو سازد. اقتصاد ایران نیز اگرچه به طور مستقیم از پیامدهای بحران مالی آسیب جدی ندید و معاملات در بورس تحت تاثیر بازار مالی جهانی قرار نگرفت با این حال با کاهش قیمت نفت در معرض شوکی تورمی رکودی در سال ۲۰۰۹ میلادی قرار گرفته است. به علاوه اثرات اقتصادی طرح نجات بوش را می توان از منظر کوتاه مدت و بلند مدت مورد تحلیل قرار داد.

در کوتاه مدت تاثیر طرح بوش را می توان با افزایش ارزش دلار و سایر ارزهای معتبر دنیا و نیز کاهش بهای جهانی نفت به دلیل کاهش نسبی شوکهای مربوط به بحران مالی ایجاد شده، ارزیابی نمود. در حالی که اگرچه تزریق نقدینگی به بازارهای مالی ممکن است در کوتاه مدت به طور نسبی از تبعات بحران بکاهد، ولی از آنجا که پوشش ریسک سهامداران بطور کامل صورت نگرفته و تنها علائم ظاهری را بهبود می بخشد، در بلند مدت موجبات کاهش سرمایه گذاری خارجی و به تبع آن افت شدید رشد اقتصادی در ایالات متحده را فراهم خواهد آورد.

در واقع، ریسک این برنامه برای بزرگترین اقتصاد جهان، افزایش آتی نرخ بهره به دلیل نیاز مضاعف خزانه‌داری برای تأمین مالی برنامه و کاهش تمایل سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای افزودن به دارایی‌های مالی خود خواهد بود.

از طرف دیگر، حجم بی سابقه استقراض خزانه داری امریکا، نااطمینانی‌های جدیدی را به بازار اوراق قرضه تحمیل می‌کند. اجرای این طرح می‌تواند سطح بدهی ایالات متحده را به بالاتر از ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش داده و کسر بودجه سالانه را به بالاترین میزان در طول تاریخ برساند. اقتصاددانان برآورد نموده‌اند که در سال آتی این کسری بودجه احتمالی ایالات متحده احتمالاً از یک تریلیون دلار تجاوز خواهد نمود.

در این میان جمهوری اسلامی ایران از یک سو به دلیل کمترین ارتباط با اقتصاد ایالات متحده و از سوی دیگر به دلیل در هم تنیدگی بسیار ضعیف خود با بازارهای بین‌المللی بطور مستقیم از این بحران متضرر نخواهد شد.

## ۹- کتابشناسی

۱. روزنامه دنیای اقتصاد،
۲. تبعات بحران مالی آمریکا، گروه اقتصادی ایران اکونومیست، ۷ مهر ۱۳۸۷
۳. گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۱۳ مهر ۱۳۸۷
۴. حرکت سونامی آمریکایی به سمت بازار مالی اروپا، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۱۴ مهر ۱۳۸۷
۵. طرح نجات هم اقتصاد آمریکا را نجات نخواهد داد، گروه اقتصادی ایران اکونومیست، ۹ مهر ۱۳۸۷
۶. موج بحران مالی آمریکا به اروپا رسیده است، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، گروه اقتصاد بین‌الملل، ۸ مهر ۱۳۸۷
۷. پس لرزه جهانی بحران مالی آمریکا، روزنامه سرمایه، ۱۳ مهر ۱۳۸۷
۸. گسترش بحران مالی آمریکا به انگلیس، ایران اکونومیست: گروه اقتصادی، ۱۳ مهر ۱۳۸۷
۹. بحران مالی آمریکا به انگلیس گسترش یافت، دنیای اقتصاد ۹ مهر ماه ۱۳۸۷
۱۰. مهمترین علت بحران مالی آمریکا ایران اکونومیست: گروه اقتصادی، ۱۱ مهر ۱۳۸۷
۱۱. خبرگزاری گلف نیوز، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸
۱۲. نشریه اقتصادی میس، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸
۱۳. بحران مالی جهان به امارات رسید، گروه اقتصاد بین‌الملل خبرگزاری فارس، ۲۲ مهر ۱۳۸۷
۱۴. سیاستگذاران کاخ سفید توان خارج کردن اقتصاد آمریکا از بحران را ندارند، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۱۴ مهر ۱۳۸۷
۱۵. طرح بوش برای حل بحران بازارهای مالی آمریکا کافی نیست، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۱۴ مهر ۱۳۸۷
۱۶. ابراز نگرانی چین از گسترش بحران مالی آمریکا در سطح جهان، خبرگزاری فارس، ۹ مهر ۱۳۸۷
۱۷. بدهی ملی آمریکا به بالاترین سطح در ۵۴ سال اخیر، گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۸ مهر ۱۳۸۷

۱۸. خبرگزاری آمریکن فری پرس، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸

19. International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, April 2008. Data for 2007.

20. [http://www.fin24.com/articles/default/display\\_article.aspx?Nav=ns  
&ArticleID=1518-1783\\_2400391](http://www.fin24.com/articles/default/display_article.aspx?Nav=ns&ArticleID=1518-1783_2400391)

21. [http://en.wikinews.org/wiki/George\\_Bush:\\_Rescue\\_plan\\_will\\_get\\_ through](http://en.wikinews.org/wiki/George_Bush:_Rescue_plan_will_get_through)

22. [http://www.upi.com/Top\\_News/2008/10/04/Bush\\_Rescue\\_plan\\_ri ght\\_choice\\_for\\_US/UPI-53491223129400/](http://www.upi.com/Top_News/2008/10/04/Bush_Rescue_plan_right_choice_for_US/UPI-53491223129400/)